

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال چهارم، شماره یازدهم، بهار ۱۳۹۸

معرفی نسخه خطی المجامع الصوفیه و المراهص العلویه^۱

سیما حاتمی نیا^۲

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

دکتر مریم محمودی^۳

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

دکتر احمد رضا یلمه‌ها^۴

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

چکیده

یکی از شیوه‌های مطالعاتی، خوانش متون علمی، ادبی و دینی گذشته است. این متون، اطلاعات مفید و ارزشمندی را از علوم مختلف در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهند؛ برخی از این متون ارزشمند توسط پژوهشگران تصحیح و چاپ شده و برخی دیگر نیز در پرده خمول و گمنامی باقی مانده‌اند. قطعاً تصحیح و بررسی این نسخ خطی، کاری بس مفید و شایسته است که می‌تواند به شناخت بهتر آثار و آشکار شدن چهره علمی این نویسندگان گمنام کمک کند. از جمله این نسخ خطی می‌توان به نسخه ناشناخته *المجامع الصوفیه و المراهص العلویه* اشاره کرد که از آثار محمد صالح دستغیب شیرازی در قرن یازدهم هجری است. مؤلف در این اثر احادیث، آیات قرآن و روایات مرتبط با

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۳

۱ تاریخ وصول: ۹۷/۷/۸

hataminia.sima@gmail.com^۲

m.mahmoodi@dehaghan.ac.ir^۳

ayalameha@dehaghan.ac.ir^۴

منزلت پیامبر عظیم‌الشان اسلام^(ص)، بعثت و معراج ایشان، ائمه اطهار^(ع)، زندگی چهارده معصوم، جایگاه والای حضرت علی^(ع) و ولایت ایشان را گردآوری کرده است. این نسخه خطی تاکنون تصحیح و چاپ نشده است. در این جستار، پس از معرفی نویسنده و آثارش به بررسی این اثر دینی و تفسیری می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی

نسخه خطی، *المجامع الصوفیة و المراهص العلویة*، دستغیب شیرازی، تفسیر، احادیث.

۱. مقدمه

معرفی و تصحیح آثار ناشناخته ادبی و دینی که در قالب متون نظم و یا نثر نگاشته شده‌اند، کاری ارزشمند است که موجب شناخت بهتر نسل معاصر با آثار و متون گذشتگان می‌شود. در فرهنگ اسلامی، تصحیح متون دینی جایگاه خاص و ویژه‌ای به خود اختصاص داده و کار تحقیقاتی در این زمینه، بسیار شیرین و لذت‌بخش و دارای حظّ معنوی است. هرچند که قرآن کریم دربردارنده معارف مهمی است و جزئیات احکام توسط پیامبر^(ص) و ائمه اطهار^(ع) بیان شده، برای شناخت بهتر دین و فرایض آن، خواندن احادیث و روایات نیز نقش بسزایی دارند. از این رو تلاش‌های فراوانی برای گردآوری احادیث از سوی مفسران شیعه و سنی در قالب کتاب صورت گرفته است. مطالعات دینی نشانگر این است که اغلب مفسران شیعی با بهره‌گیری از منابع و کتب شیعی و اسلامی در پژوهش‌های خود، سعی در به‌کارگیری روشی درست و محققانه در باب تشریح مباحث و موضوعات دینی و اسلامی داشته‌اند.

با وجود تصحیح متون مختلف دینی و شناخته شدن آثار ارزشمند این حوزه، هنوز هم آثار ناشناخته‌ای از مفسران و محدثان قرون گذشته در کتابخانه‌های ایران و جهان وجود دارد که ناشناخته باقی مانده‌اند؛ از جمله نسخه *المجامع الصوفیة و المراهص العلویة* اثر محمدصالح

دستغیب شیرازی. تنها نسخه منحصر به فرد این کتاب، با شماره ۴۸۰۷ در کتابخانه و موزه ملی ملک موجود است.

محمد صالح دستغیب شیرازی در این نسخه، خود را به عنوان مفسر شیعی معرفی کرده و از آثار دیگری نیز در زمینه عرفان، تفسیر و حدیث از خود نام برده است. در منابع و کتب، اطلاعات روشنی درباره زندگی و اندیشه مؤلف نیافته‌ایم و اطلاعات و دانسته‌های ما بر پایه تحقیق و مطالعه روی این نسخه خطی است. دستغیب شیرازی کتاب را با ستایش خداوند آغاز و سپس مباحث مهمی را مطرح کرده و به آن‌ها پرداخته است. این کتاب که در زمینه تفسیر و حدیث نوشته شده، مشحون از آیات قرآنی، احادیث و روایات درباره موضوعات دینی و شریعت و ولایت حضرت علی^(ع) است. کتاب به دو زبان عربی و فارسی نگاشته شده است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

نسخه خطی المجامع الصوفیة و المراهص العلویة تاکنون تصحیح و چاپ نشده و ناشناخته مانده و تاکنون در ایران و خارج از ایران تصحیح و چاپ نشده و تحقیقی از آن صورت نگرفته است.

۲. بحث و بررسی

۱-۲. معرفی محمد صالح دستغیب شیرازی

محمد صالح دستغیب شیرازی از مفسران و نویسندگان گمنام قرن یازدهم هجری است که نسخه المجامع الصوفیة و المراهص العلویة را به سال ۱۱۰۱ هجری در زمینه تفسیر، ذکر روایات و مباحث دینی نگاشته است. در منابع پیشین در باب زندگی وی اطلاعاتی نگاشته نشده و با توجه به خوانش این نسخه، اطلاعاتی در باب تفکرات و اندیشه‌های این نویسنده گمنام مکشوف است. با توجه به دغدغه‌های وی در باب ولایت و دفاع کردن از ولایت علی^(ع) پرواضح است که مذهب تشیع داشته و در طریقت نوربخشیه بوده: «و اما علم طریقت،

پس جمیع صوفیه و ارباب اشارات و ارباب حقیقت و اصحاب خرقه استناد به آن حضرت [امام رضا^(ع)] می‌کنند و خرقه را به او می‌رسانند و این فقیر از طریق نوربخشیه به معروف کرخی که او خادم ابوالحسن، علی‌رضا - علیه و آباءه التحیه و الثنا - بوده و سند را درست نموده‌ام و...» (دستغیب شیرازی، ۱۱۰۱: ۲۸۶).

یکی از سلسله‌های منشعب‌شده سلسله کبرویه، سلسله نوربخشیه است. رهروان این طریقت پیرو سید محمدتقی نوربخش هستند. «سید محمد نوربخش و جانشینانش که در نشر مذهب شیعه در قرن نهم و بعد از آن سهم بسیار داشتند، مقدم بر صفویه در فکر قیام بر ضد سلطان وقت (شاهرخ گورکانی) و تأسیس حکومت صوفی شیعی بودند. خواجه اسحاق ختلانی نیز با وی همکاری کرد ولی پس از آنکه شکست خورد، محبوس شد و خواجه اسحاق به امر شاهرخ در ۸۲۶ به قتل رسید» (شوشتری، ۱۳۵۴: ۱۴۴-۱۴۸). در این اثر، دستغیب شیرازی اشاراتی هم به خرقه گرفتن معروف کرخی از دست امام رضا^(ع) دارد که البته این موضوع در جای خود موضوعی بسیار قابل تأمل بوده و جای بحث دارد.

معروف کرخی را آغازگر مکتب تصوف بغداد گفته‌اند. وی که در زمره عارفان طبقه اول به شمار می‌آید، نقش مهمی در انتقال تصوف از زهد به عرفان داشته است. گفته شده که معروف اولین تعریف از تصوف را ارائه کرده است. او تصوف را گرفتن حقایق و گفتن دقایق و نومی‌دی از دست خلائق می‌داند. این تعریف مورد توجه عارفان پس از وی و محققان گردید که به مطالعه و شناخت جریان عرفان و تصوف پرداختند (نک: ذوالفقاری، ۱۳۸۴: ۶۶). دستغیب شیرازی درباره معروف کرخی می‌نویسد: «معروف کرخی دربان خانه علی ابن موسی الرضا^(ع) بود و شبهه‌ای در صحت این نیست، زیرا که معروف کرخی طفلی بود نصرانی که مسلمان شد به دست علی ابن موسی الرضا^(ع) و در خدمت آن حضرت بود» (دستغیب شیرازی، ۱۱۰۱: ۲۸۴). سلسله معروف کرخی به «السلاسل» مشهور شده است. در میان فرقه‌های صوفیه، معروفیه که بعدها به نعمت‌اللهیه تغییر نام داد، به همراه تمام شعباتش به

معروف کرخی منتهی می شود و از این طریق نسبت خود را به امام رضا^(ع) و علی^(ع) می رسانند (نک: نوربخش، ۱۳۴۴: ۲۰۲). فرقه ذهبیه نیز سلسله خود را به معروف کرخی و به واسطه وی به معصومین^(ع) می رساند (نک: رفیعی، ۱۳۸۹: ۵۶).

بسیاری از نویسندگان در مقدمه متون دینی، بخش بسیار مهمی را با عنوان «تحمیدیه» به یاد خداوند و سپاس از او اختصاص داده اند. محمدصالح دستغیب شیرازی نیز در مقدمه نسخه المجامع الصوفیه و المراهص العلویه به شکر نعمات الهی و ستایش و تمحید باری تعالی پرداخته است: «حضرت واجب الوجود عالمی خلق کرد مملو از بدایع فطرت و جهانی اساس نهاده، محاط صنایع خلقت که عقلاء و علماء اولوالابصار در تعقل مصنوعاتش واله و حیران...» (دستغیب شیرازی، ۱۱۰۱: ۱). وی پس از شکر، به محاسن شکرگزاری از نعمات الهی اشاره کرده و سپس به تحلیل هدف از آفرینش هستی پرداخته است. وی در ضمن شکر نعمات الهی، اقرار به اظهار عجز از شکرگزاری نعمات الهی کرده است: «اگر آدمی تمام عمر خود را صرف شکر نعمت او کند از عهده سپاس یک نعمت از صد هزار هزار و شردمه قلیله از بسیار بسیار بیرون نمی تواند آمد» (همان: ۳).

محمدصالح دستغیب شیرازی در مقدمه کتاب المجامع الصوفیه و المراهص العلویه با دیدی عارفانه و با عنایت به حدیث کنت کنتاً مخفياً به بیان روشنگری درباره هدف از آفرینش انسان و عالم خلقت می پردازد و می گوید هدف از خلقت آفرینش، عبث نیست و با گریز به آیات محکم الهی و احادیث قدسی، دیدگاه خود را این گونه بیان می کند: «و از قول خدای متعال مستفاد می شود که فرموده: وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ یعنی خلق نکردم جن و انس را الا به واسطه آنکه مرا عبادت کنند و مراد در یعبد یعرفون است؛ یعنی مرا بشناسند کما قال عز من قال کنت کنتاً مخفياً فاحببت أن اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف فخلقت لاعرف» (همان: ۴).

محبت اهل بیت، موجب قرب و نزدیکی به خداوند متعال و اطاعت و پیروی از او

می‌شود. محمدصالح دستغیب شیرازی بارها به محبت اهل بیت تأکید می‌کند و می‌گوید: «هرگاه وداد ذوی‌القربی اجر رسالت باشد بر هر مؤمن شیعه فرض متحتم است در رنگ و جوب نماز و روزه محبت ذوی‌القربی تا از عهدهٔ اجر رسالت بیرون آید و حال که مشاهد و معاین ما می‌شود که اکثر مردم که به زبان اظهار کمال وداد حضرت امیرالمؤمنین و سید الوصیین می‌نمایند و نقوش خاتم‌های خود را بندهٔ علی ابن ابی‌طالب می‌سازند...» (همان: ۷).

مؤلف در مقدمهٔ کتاب، ضمن معرفی خود، نسبش را به حضرت علی^(ع) رسانده و این چنین می‌گوید: «به خاطر این قلیل البضاعت و اقل خلق الله المعبود محمدصالح دستغیب شیرازی بن عضدالدین مسعود بن محمد بن نور الله بن یحیی بن منصور بن محمد بن محمود... بن سیدالعابدین علی بن الحسین بن الامیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیهم السلام» (همان: ۸).

مؤلف در روزگاری می‌زیسته که عصر پویایی و پیشرفت متون تفسیری بوده است. آثار تفسیری و روایی ارزشمندی از نویسندگان و علمای شیعه در قرن یازدهم به جا مانده است. شیوهٔ غالب در این عصر، شیوهٔ روای محض و غیرمحض است؛ زیرا تفکر اخباریگری تفکر غالب در این دوران بوده است. از جمله مهم‌ترین تفاسیر این دوره می‌توان تفسیر ملا محسن فیض کاشانی، تفسیر لاهیجی را نام برد (نک: عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۶۹). در قرن یازدهم، برخی راویان حدیث علاوه بر ذکر سند روایات به نام کتاب و نام نویسنده اشاره می‌کردند و سعی داشتند از منابع مهم از جمله کتب اربعهٔ شیعه و آثار روایی برجسته استفاده کنند. محمدصالح دستغیب شیرازی هم در نوشتن اثر خود پایبند به رعایت این اصول بوده و در این اثر از آیات و احادیث قدسی و صحیحه استفاده کرده است و در این باره می‌نویسد: «از آیات بیّنات کلام ربانی و احادیث صحیحهٔ قدسیه و نبویه و اخبار مصحح منقوله از حضرات ائمهٔ هدی که علماء عالی‌مقدار و فقها و محدثین اولوالابصار و مشایخ کبار و فرقهٔ نجیه و طلیفهٔ محقه - رضوان الله علیهم - که کمال تعمیق نظر در تصحیح و تفسیر آنها فرموده‌اند، در این کتاب شریف اکثر آنها مع الاسناد الصحیحه - ان شاء الله - در سلک تحریر و

بیان درمی آید» (نسخه: ۶).

۲-۲. معرفی آثار دستغیب شیرازی

از محمدصالح دستغیب شیرازی آثار متفاوتی در زمینه حدیث و تفسیر به جای مانده است: - *المجامع الصوفیة و المراهص العلویة* در ذکر روایات و بیان احادیث و تفسیر برخی آیات نوشته شده، و زبان نسخه، ساده و روان و دور از پیچیدگی های کلامی است. مؤلف در ضمن بیان احادیث و روایات و تفاسیر، از عبارات عربی استفاده نموده و مطالب را هم به زبان عربی ذکر نموده و هم به زبان فارسی و به زبان عربی تسلط کامل داشته است. محمدصالح دستغیب شیرازی با دیدی عارفانه در این اثر، یکی از اهداف خلقت را خلق وجود پاک نبی مکرم می داند: «حق تعالی در حق او می فرماید که لولاک لما خلقت الافلاک اگر تو باعث نبودی افلاک نمی کردم او را درگاه اله قدررتبه است» (همان: ۵).

- *تفسیر سرور الارواح*: این کتاب در زمینه تفسیر نگاشته شده و کتابی غیرمنقوط است: «و به روایت ابن مسعود چهل و یک سال عمر آن حضرت بود و گفته شد که بعثت آن حضرت در ماه رمضان بود و ما در تفسیر سرور الارواح غیرمنقوط که در ولا بر قرآن نوشته ایم مفصلاً ذکر نموده ایم» (همان: ۱۶۵).

- *مشارق العقاید* در ترجمه حدیث: مؤلف در متن کتاب به نام *مشارق العقاید* اشاره کرده و تأکید داشته که موضوع کتاب در ترجمه حدیث است: «تا به جهنم رفت پیش مأمون و جدش هارون - علیهم لعین الله و الملائکه و الناس اجمعین - و اما؛ ما در کتاب *المشارق العقاید* که در انشای جمع و ترجمه حدیث این احادیث نوشته ایم و به اتمام رسانیده ایم» (همان: ۱۵۶).

- *المحجة المنیة فی شرح مصباح الشریعة* در عرفان و تصوف. دستغیب شیرازی در متن نسخه *المجامع الصوفیة و المراهص العلویة* به این اثر اشاره کرده است. «و در کتاب *المحجة المنیة فی شرح مصباح الشریعة* که در این اوان توفیق تحریر و تصنیف آن را یافته ام، سلسله تصوف را به آن حضرت رسانده ام» (همان: ۲۸۶). این اثر در کتاب *تراجم الرجال* از سید

احمد حسینی نیز معرفی شده است (نک: حسینی، ۱۳۷۰، ج ۳: ۱۹۳).

۲-۳. معرفی نسخه خطی المجامع الصفویة و المراهص العلویة

این نسخه دارای ۳۶۶ صفحه است که هر صفحه در بیست سطر تنظیم شده است. هر چند نام کاتب نسخه مشخص نیست، اما وی نسخه را با خطی بسیار خوانا مکتوب نموده و نسخه بسیار تمیز و بدون خدشه و افتادگی حفظ شده و تنها نسخه منحصر به فرد کتاب با شماره ۴۸۰۷ در کتابخانه و موزه ملی ملک موجود است. این نسخه تاکنون تصحیح و چاپ نشده و در «فنخا» با این مشخصات ثبت و ضبط شده است: المجامع الصفویة و المراهص العلویة / عرفان و تصوف / فارسی. دستغیب، محمدصالح بن مسعود، قرن یازدهم قمری، اهدا به شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲) خط: نسخ، بی‌کا، تا، قرن یازدهم، کاغذ ترمه، جلد: روغنی پشت گل نرگس، ۲۳۳ گ، ۲۰ سطر، اندازه: ۵/۱۹ در ۳۰ (درایتی، ۱۳۸۹، ج ۲۸: ۱۰۸). سایر مشخصات این نسخه:

- حاشیه دارد.
- رکابه دارد.
- افتادگی دارد.
- آغاز نسخه: برابر، بدان ای عزیز! ایدک الله که حضرت واجب الوجود عالمی خلق کرده مملو از بدای فطرت.... مصدر است به المجامع الصفویة و المراهص العلویة... ابوالمظفر سلطان شاه صفی الصفوی....
- انجام نسخه: والله الموفق والمعین.
- از رنگ قرمز هم در نگارش متن استفاده شده است.
- محمدصالح دستغیب شیرازی، کتابش را به ابوالمظفر، سلطان، شاه صفی الصفوی الموسوی الحسینی بهادرخان تقدیم کرده است: «دشمنان خاندان اهل بیت و آل را ایام سلطنتش قیامت است. خاقانی که سلطنت و سروری را با نسب پیغمبری و شجاعت حیدری جمع نموده، کیست؟ الا جنابش و سلطانی که مربای تربیت حضرت احدیت گشته باشد، کدام است؟ سوای نوابش، اعنی السلطان الاعدک ... ابوالمظفر، سلطان شاه صفی الصفوی الموسوی

الحسینی، بهادرخان - خلد الله ملكه و سلطانه و افاض على العالمين بره و عدله و احسانه - که مالک الملک عالم از بدو فطرت سلسله علیّه جلیّه اش را فرمانفرمایی هر عصر و زمان فرموده و هرگز از حین خلقت آدم الی الان در آبا و اجدادش کسی که سلطان احد کونین و واحد عالمین نباشد نبوده و یا در عالم ظاهر، فرمانفرمای جهان بوده‌اند یا در طریق سلوک» (دستغیب شیرازی، ۱۱۰۱: ۱۴).

دستغیب شیرازی با زبانی ساده و شیوا و خالی از صناعات ادبی به نگارش متن مشور کتاب پرداخته و از احادیث و روایات و آیات قرآن در شرح تفاسیر بهره گرفته و برای بیان شرح آیات، از تفاسیر مفسران بنام استفاده کرده و در کنار این مطالب، گاه به بیان تفکرات و اندیشه‌های خود در برخی آیات اشاره کرده است. او برای درک بهتر مطالب پس از متن عربی احادیث و روایات، ترجمه فارسی مطالب را نیز آورده است.

۲-۳-۱. هدف از تألیف و اهمیت المجامع الصوفیة و المراهص العلویة از دیدگاه

نویسنده آن

نویسنده در بین مباحث، هدف و مقصد اصلی از تألیف اثر را چنین بیان می‌کند: «و مقصد اصلی از این تألیف کتاب، اظهار این معنی بود که بر جمیع مسلمانان مؤمن ظاهر سازد که اجر رسالت کدام است تا از عهده اجر رسالت بیرون آیند و داخل مردم گمراه نشوند» (۲۳۱). همچنین در مقدمه اثر به بیان اهمیت آن می‌پردازد و می‌نویسد: «کتابی ترتیب نمود که بر هر شیعه‌ای واجب است که اگر پنج درم داشته باشد که کمال احتیاج به آن، او را باشد، اول، صرف کاغذ و کتابت و قیمت این نماید که اهمّ مطالب دینیّه و اقصی مقاصد اسلامیّه است؛ زیرا این کتابی است که خواندن و نوشتن و شنیدن و نظر در نوشته آن کردن محو جمیع گناهان این کس می‌کند. پس اگر تمام حاصل عمر خود را قیمت این کتاب دهد، گنجایش دارد...» (همان، ج ۸: ۹) و در ادامه استناد می‌کند به روایتی از علامه حلی در منهج الکرامه: «پس هرکس که یک فضیلت از فضایل او [علی علیه السلام] نقل کند... ملائکه به جهت او استغفار می‌نمایند...» (همان جا).

۲-۳-۲. بررسی موضوعات و مفاهیم کتاب

محمد صالح دستغیب شیرازی در مقدمه کتاب، اولین جمله خود را با «بدان ای عزیز»، خطاب به خواننده کتاب آغاز می‌کند. «بدان ای عزیز، ایدک الله تعالی که حضرت واجب الوجود عالمی خلق کرد...» (همان: ۱). دستغیب شیرازی کتاب را به چند بخش تقسیم کرده است:

- فاتحه: در ذکر اخبار داله بر آنکه حبّ و بغض رسول الله و امیرالمؤمنین و اولاد - علیهم السلام - و جنت و سعیر است.

- صراط اول: در احادیث منقوله از طریق شیعه و محدثین اهل بیت در ماده چهارده معصوم - علیهم السلام - و آن مشتمل است بر فصول معدوده.

- صراط دوم: در احادیث منقوله از طریق مخالف فی حقهم - علیهم السلام - و مشتمل است بر فصول معدوده.

- صراط سوم: در اثبات وجود صاحب الامر - صلوات علیه - و بیان معجزات چهارده معصوم علی التفضیل.

- خاتمه: در ماده دجال و احوال دشمنان اهل بیت و اعداء آل رسول - صلی الله علیه و آله و سلم - (همان: ۱۰).

از بین موضوعات مطرح شده در کتاب، بسامد بالایی از مطالب درباره ولایت بر حق حضرت علی^(ع)، محبت، حقانیت، افضلیت، اعلمیت و ولایت ایشان است. مؤلف تأکید فراوانی در اثبات ولایت و امامت علی^(ع) دارد و به تشریح روایات و احادیث معروف در واقعه غدیر خم و... پرداخته است. وی در ضمن نقل روایات، حکایاتی درباره مباحله، حدیث کساء، ثقلین، بعثت پیامبر، رحلت پیامبر و... نیز دارد. در مجموع، کتاب در برگیرنده موضوعات دینی و شیعی است. مؤلف، کتاب را به چند فصل تقسیم نموده است: فصلی در باب حب علی^(ع)، فصلی در باب پیامبر^(ص) و زندگی چهارده معصوم به طور اختصار، فصلی در باب بعثت پیامبر و وقایع نازل شدن قرآن، معجزات پیامبر و معراج و فصلی در اثبات ولایت و حقانیت علی^(ع) و ادله افضلیت علی^(ع) و شرح آیه مباحله.

۲-۳-۳. بررسی ویژگی‌های کتاب

این کتاب در اصل به زبان فارسی نوشته شده است، ولی چون مؤلف برای بیان مطالب و دیدگاه‌های خود از احادیث و روایات استفاده کرده، بخش قابل توجهی از مطالب آن به زبان عربی نوشته شده و نشان می‌دهد که مؤلف هم به زبان عربی کاملاً آشناست و هم شناخت خوبی از مسائل شریعت و کتب مفسران و محدثان دارد. وی نسبت به کتب منابع و موثق شیعی، آگاهی نسبتاً خوبی داشته و بدیهی است که اهل معرفت بوده است. مؤلف در مقدمه، سعی در مسجع ساختن عبارات نموده و کلمات را با رعایت سجع و واج‌آرایی حروف مشابه و شبه‌مشابه، آراسته و موسیقی زیبایی در کلامش محسوس است و خواننده از خوانش متن، علاوه بر بهره‌رسانی، بهره‌ ادبی نیز می‌برد: «چون نفوس ناطقه و عقول کامله در بحر تحصیل معرفتش با وجود سفاین ادله باهره مصنوعات و لطایف کاینات در موجوداتش در گرداب سرگردانی و تیه موسی بن عمرانی درمانده بودند و سابق در علم الهی بود که معرفت حضرتش بی‌وسیله انبیا و رسل و پیشوایان هادی سبیل محصل نگردد، رسایل موجودات و دفاتر مخلوقات مزین ساخت به سرلوح وجود با وجود پیغمبران اولوالعزم و انبیاء صاحب‌حزم» (همان: ۱).

مؤلف هم خود و هم اهل فن را دعوت به ارشاد مردم می‌کند «هرکس که حق تعالی او را موفق فرموده باشد به توفیق تتبع تفسیر و حدیث او را فی‌الجمله علم بر معانی آیات و احادیث باشد که فرق میانه ناسخ و منسوخ و مطلق و مقید و عام و خاص و مجمل و مبین و محکم و متشابه و مصحح و غیر مصحح و موثق و حسن و مرسل و غیر ذلک تواند واجب و لازم است که به قدر مقدور، مردم را از معانی آیات و احادیث که در این ماده وارد شده مطلع سازد و شرط نصح به جا آورد» (همان: ۶).

نویسنده در این کتاب، تنها در موارد بسیار اندک و محدود از اشعار عربی و فارسی استفاده کرده است. اشعار عربی از شاعرانی چون حسّان بن ثابت و خزیمه بن الحکیم الهندی است، اشعار فارسی را نیز از جلال عضد آورده است:

چار چیز است که در سنگ اگر جمع شود
لعل و یاقوت شود سنگ بدان خرابی
پاکی طینت و اصل گهر و استعداد
تربیت دادن مهر از فلک مینایی
در من این هر سه صفت هست کنون می‌باید
تربیت از تو که خورشید جهان‌آرایی
(همان: ۲۰)

جلال عضد از شاعرانی است که در یزد به وزارت آل مظفر اشتغال داشت. گویند که دیوان وی چهار هزار بیت دارد. پدرش سید عضد، وزیر محمد مظفر بود (نک: مدرس، ۱۳۶۹، ج ۳: ۲۳۰).

از دیگر ویژگی‌های بارز این کتاب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- آوردن جملات مسجع در مقدمه کتاب؛
- استفاده از آیات قرآن؛
- استفاده از احادیث معتبر و قدسی؛
- استفاده از منابع موثق در ذکر روایات؛
- آوردن نام سلسله راویان برای دقت در امانتداری و تأکید بر صداقت در درج مطالب؛
- آوردن ترجمه احادیث، روایات، آیات قرآنی، خطبه و اقوال عربی؛
- آوردن روایاتی در باب حضرت علی^(ع). مباحله، وقایع رحلت پیامبر، غدیر و...؛
- دفاع از مکتب امامت و ولایت، ذکر فضایل اهل بیت^(ع) و مثالب دشمنان در ذیل آیات.

۲-۳-۱. استفاده از منابع موثق

یکی از مهم‌ترین احکام دینی و شریف‌ترین مسائل مسلمین، مسئله امامت است که مؤمن با شناخت از این مسئله به درجه خوب ایمان می‌رسد. امامت و ولایت یکی از مسائل مهمی است که دستغیب شیرازی بارها بر آن تأکید داشته و برای اثبات ولایت از منابع موثقی چون *دُر النّظیم*، *الامالی*، *الکافی*، *منهاج الکرامه*، *دلائله امامه*، *صحیح مسلم*، *صحیح بخاری* و... استفاده کرده است.

- *دُر النّظیم*: جمال‌الدین یوسف بن حاتم شامی عاملی، مؤلف کتاب *دُر النّظیم* از عالمان سده هفتم هجری است. وی این کتاب را در باب زندگانی چهارده معصوم نگاشته است.

درباره او نوشته‌اند: «از تولد و وفات او اطلاعی در دست نیست. او شاگرد محقق حلی (متوفای ۶۷۶) و سید بن طاووس (متوفای ۶۶۴) بود. او را به‌عنوان فقیهی فاضل و عابد وصف کرده‌اند که دارای تألیفات متعددی بوده است. از لابه‌لای کتب فقهی استفاده می‌شود که وی در فروع فقهی بین علمای امامیه شهرتی داشته و اگرچه اثری فقهی از او باقی نمانده، نظریات او در کتاب‌ها منعکس شده است» (خویی، ۱۳۷۷: ۸).

- الأمالی: کتابی است به زبان عربی و تألیف شیخ صدوق (حدود ۳۰۶-۳۸۱ق). وی متکلم، ادیب، فقیه و حدیث‌شناس برجسته امامیه در سده چهارم هجری که از جلسه‌های متعددی که شیخ صدوق هفته‌ای دو روز سه‌شنبه و جمعه از ۱۸ رجب سال ۳۶۷ هجری تا ۱۱ شعبان سال ۳۶۸ هجری در مشهد املا نموده و شاگردان ایشان نوشته‌اند، تشکیل شده است. مدفن شیخ صدوق در ری است. وی را بزرگ‌ترین محدث و فقیه مکتب حدیثی قم به شمار آورده و حدود ۳۰۰ اثر علمی به او نسبت داده‌اند که بسیاری از آن‌ها امروزه در دسترس نیست (نک: قمی، ۱۳۶۳: ۴۱).

- منهاج الکرامه فی معرفه الامامة: کتابی کلامی در اثبات حقانیت مذهب شیعه و امامت علی^(ع) و فرزندانش است و اثر علامه حلی است. حسن بن یوسف بن مطهر حلی معروف به علامه حلی، از علمای شیعه قرن هشتم قمری است. «مناظرات و آثار او [علامه حلی] موجب گرایش سلطان محمد خدا بنده به تشیع و رواج مذهب شیعه در ایران شد. علامه حلی دارای تألیفات بسیاری در علوم فقه، اصول، عقاید، فلسفه، منطق، دعا و... است. آقابزرگ تهرانی در کتاب الذریعه، از این اثر با نام منهاج الکرامه الی اثبات الامامة یاد می‌کند» (تهرانی، ۱۳۷۹، ج ۲۳: ۱۷۲).

- دلائل الامامة: کتابی به زبان عربی، منسوب به محمد بن جریر طبری صغیر است که در باب زندگانی، معجزات و فضایل حضرت زهرا و ائمه معصومین^(ع) نگاشته شده است. «در نام و انتساب این کتاب به نویسنده تردید شده است. کتاب دلائل الامامة برای مدت‌ها نوشته محمد بن جریر بن رستم طبری شیعی و نویسنده المسترشد فی الامامة قلمداد می‌شد. اما در کتاب شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد این اثر متعلق به طبری شیعی نیست؛ از این رو، برخی از

محققان به گمان اینکه اگر این کتاب از او نیست، ناگزیر از یک محمد بن جریر بن رستم دیگری، متأخرتر از نویسنده‌المسترشد است، به دو طبری کبیر و صغیر قائل شده و کتاب را از طبری صغیر فرض کرده‌اند» (تهرانی، ۱۳۷۹، ج ۸: ۷۴۲). این کتاب به تاریخ زندگانی، دلایل، معجزات و فضایل حضرت زهرا^(س) و ائمه معصومین^(ع) می‌پردازد (نک: طبری، ۱۳۸۳: ۳۲۶).

- **الکافی**: احمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی مؤلف کتاب مشهور *الکافی*، در حدود سال ۲۵۵ق در روستای گلین از توابع ری متولد شد. پدرش یعقوب بن اسحاق، از علمای عصر خویش بوده و در دوره غیبت صغری می‌زیسته است (نک: قمی، ۱۳۶۳: ۴۹۵). وی سپس برای تکمیل علم حدیث راهی قم شد و با محدثانی که از امام عسکری^(ع) یا امام هادی^(ع) بدون واسطه حدیث شنیده بودند، ملاقات کرد. «کلینی از محضر استادان بزرگی بهره برد و در سال ۳۲۷ق دو سال پیش از وفاتش عازم بغداد شد. بغداد در آن زمان یکی از مراکز بزرگ علمی بود» (غفار، ۱۴۱۶ق: ۲۶۷).

- **صحیح مسلم**: تألیف مسلم بن حجاج نیشابوری (متوفی ۲۶۱ق) از علمای اهل سنت در قرن سوم هجری است که به زبان عربی نگارش و توسط محمدفؤاد عبدالباقی تصحیح و تحقیق شده است. از دیگر نام‌های کتاب، *المسند الصحیح*، *المسند و الجامع الصحیح* است. صحیح مسلم نزد اهل سنت، مهم‌ترین کتاب حدیث، پس از صحیح بخاری است (نک: مدیر شانه‌چی، ۱۳۶۱: ۶۸).

- **صحیح بخاری**: محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بخاری صاحب کتاب صحیح، معروف به صحیح بخاری در شوال سال ۱۹۴ هجری به دنیا آمده است (نک: عسقلانی، ۱۴۱۳ق: ۳۴). «خانواده وی اصالتاً ایرانی و پیرو مذهب زرتشت بودند. وی بخشی از عمرش را در جمع‌آوری حدیث و گردش از شهری به شهر دیگر در پی یافتن حدیث گذراند. سرانجام ششصد هزار حدیث گرد آورد و صحیح را از بین آنان برگزید. به نظر محدثان اهل سنت، بخاری از موثق‌ترین و معروف‌ترین محدثان اسلام می‌باشد» (عسقلانی، ۱۴۰۸ق: ۵). رشید رضا می‌گوید: «احادیث صحیح بخاری به‌طور کلی از نظر صنعت حدیث و تحقیق، صحیح‌تر از دیگر مجامع

حدیثی است، و صحیح مسلم نیز در رتبه پس از آن قرار دارد» (ابوریه، بی تا: ۳۰۴).

۲-۳-۴. بررسی سبک کتاب المجامع الصوفیة و المراهص العلویة

۲-۳-۴-۱. ویژگی های نسخه از نظر دستور زبان فارسی

- به کار بردن صفات مؤنث: در این کتاب، گاهی به شیوه زبان عربی صفات مؤنث آورده شده است. مثال: «و چون نفوس ناطقه و عقول کامله، در بحر تحصیل معرفتش، با وجود سفاین ادله باهره مصنوعات و لطایف کاینه در موجوداتش، در گرداب سرگردانی و تیه موسی بن عمرانی درمانده بودند...» (همان: ۱).

- کاربرد وسیع حرف «و» و «که»: بیشتر جملات حتی جمله‌هایی که از نظر معنایی ارتباط چندانی به هم ندارند، با این دو حرف به هم پیوند خورده‌اند. مثال: «و هرکسی که او را شناخت به ادله عقلیه و اخبار نقلیه او را معلوم می‌شود که خدای جلیل مستحق عبادت و بندگی است که بندگان ضعیف، سرها را در درگاه عظمت و جلالت او بر زمین نهاده به سجده او و شکر انعامات او قیام نمایند و مراتب معرفت و طرق عبادت، بدون ارسال رسل و انزال کتب و اوامر و احکام محصل نمی‌شود و موقوف به وجود انبیاء رسل است و هر پیغمبری صاحب شرایع و احکام که مبعوث شد و اوامر و احکام اله را به خلاق رسانید؛ بعد از او پیغمبران دگر مبعوث شده، اوامر و احکام او را مستقر و مستمر نمودند که اگر پیغمبران دگر که مروج شریعت رسول صاحب شرع اند نمی‌آمدند، اوامر و احکام اله را به مرور ایام به اغوای شیطان ملعون، مردم مندرس و منسوخ می‌نمودند» (همان: ۴).

- آوردن ندا و منادا در آخر جمله، مانند: «پرسیدم این‌ها چه کسان‌اند یا جبرئیل» (همان: ۱۹۱).

- فاصله بین اجزای فعل، مانند: «و حکایت آوازی که از شکم بت برآمد، کردم» (همان: ۱۷۰).

- کاربرد بسیار وجه وصفی فعل. مثال: «پس هر شرعی را ناچار است از حافظی که سد

بدع نموده، اعلام دین قویم را بر پای دارد» (همان: ۴). «اگر طریق تعصب و جدل و عناد را

گذاشته، به روایات کتب خود اعتماد نمایند، می‌باید که هم ترک تسنن نموده، در سلک

شیعیان و مخبان اهل البیت درآیند» (همان: ۱۲).

- در آمیختن عبارت‌های عربی در جمله‌های فارسی به جای یکی از ارکان. مثال: «در این ایام این بندهٔ قلیل البضاعه را توفیق تصنیف آن شده...» (همان: ۲۰). «این مطلب در ضمن جمیع احادیث که ذکر می‌شود، ادا خواهد شد؛ لهذا در این موضع اختصار به این جمله شد اِحْتِزَّازاً عَنِ التَّطْوِيلِ وَ التَّكْرَارِ» (همان: ۳۴).

- در آمیختن عبارت‌های فارسی و عربی که نشان از تأثیر نثر عربی بر نثر دستغیب شیرازی دارد. مانند: «از جانب حضرت اسدالله الغالب، امیرالمؤمنین، علی بن ابی‌طالب - علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات - مخاطب به خطاب توفیق یاری گردید و هم در آن اوان، به اشارهٔ عالیة اشرف اقدس اعلی - خلد الله ملکه ابد - نه‌ری از فرات جدا کرده به مشهد مقدس منور معطر جاری ساخت» (همان: ۱۷).

- کاربرد آیات و عبارت‌های قرآن برای تتیم جمله: «چنان قبه‌ای برافراخت که با قبهٔ نیلگون فلک همسر آمده در قدر و منزلت به صد مرتبه از آن برتر، و روضه ترتیب داد که مثل روضات "جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ [بقره: ۲۵]"» (همان: ۱۸).

- آوردن کلمات فارسی در بین متن عربی، مانند: «أُمُّ شَاهِ زَنَانِ بِنْتِ كَسْرِي...» (همان: ۱۱۱).
- کاربرد «را» در معانی متعدد «را» در معنای «به». مثال: «پس گفت مرا که نظر کن به دست راست عرش» (همان: ۳۷).

«را» در معنای «برای»: «مهدی حاجتی است واجب، دوستان مرا» (همان: ۳۷).
رای فک اضافه: «این مارد، زنی خواست که او را بسره نام بود» (همان: ۴۱).
- تقدم فعل بر فاعل: «و برطرف کرد شرک را اسلام» (همان: ۱۷۰). «گفت حذیفه که پس امر کرد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم...»

- کاربرد «این» و «آن» به عنوان حرف تعریف. مثال: «این مارد، زنی خواست که او را بسره نام بود» (همان جا). «بانگ زد بر من، آن جوان که تو را نصیب در این نیست» (همان: ۴۸).
- به کار بردن فعل در میان جمله. مثال: «من بیدار شدم، خایف و فرعان» (همان: ۴۸).
«سجدهٔ او کردند کلّ قریش» (همان: ۴۹). «حریری سفید آورده در میان آن بود مَهْرِي او را،

- کتفش را برهنه نموده، زد بر کتف او مهر را» (همان: ۵۱).
- کاربرد «در» به معنی «بر» مانند: «اعرابی که ضامن من شدی به جهت او در مکه در در خانه است» (همان: ۲۹۳).
- کاربرد «به خصوص» در معنای «مخصوص». مانند: «مأمون گفت که یا ابالحسن علیه السلام چیزی به خصوص آل می خواهم» (همان: ۲۲۹).
- کاربرد «به جهت» در معنای «برای». مثال: «حکایت کرد به جهت من مادرم مسماه ام عماره...» (همان: ۷۰). «حکایت کرد به جهت راهب که من این خواب دیدم» (همان: ۷۱).
- کاربرد «به دستور» به معنی «همین طور، همچنین» مانند: «و علم تفسیر قرآن نیز به دستور» (همان: ۲۸۵).
- کاربرد «به واسطه» به معنی به خاطر، به سبب آنکه. مانند: «به واسطه ای که قطع نظر از غیر خدا نموده بود که از خود نیز خبر نداشت» (همان: ۲۹۷).
- کاربرد فراوان جملات کوتاه، مثال: «روزی در حجر خوابیده بود پس در خواب دید که دری از آسمان بر وی گشاده شد، پس نوری از آسمان نازل شد و او را فروگرفت، پس از این سر و راز خواب، بیدار شد و اما وهمی و خوفی در او بود از دیدن خواب و به منزل رفت. پس سوار شد بر اسب خود...» (همان: ۷۱).
- به کار بردن افعال پیشوندی. در این کتاب با پیشوندهای زیر فعل های پیشوندی ساخته شده است:
- باز: بازداشتن، بازیافت کننده.
- بر: برگرداندن، برخاستن، برداشتن، برآمدن، برخواندن، برگشتن.
- در: ندا در دادن.
- فرو: فروگرفتن، فرونشاندن، فرورفتن.
- وا: واخریدن.
- بسامد بالای کلمات جمع. مانند: ریاض، عساکر، اخماس و...

- بسامد بالای صفات تفضیلی. مانند: اشجع (شجاع‌تر)، ازهد (پارساتر)، افضل (برتر)، اشهر (معروف‌تر) و...

- استفهام انکاری: «تدهین سرهای خود بکنیم» (همان: ۱۹۷)؟

۲-۳-۴-۲. ویژگی‌های بلاغی و زیبایی‌شناسی

- مجاز: «اگر ریاض، قلم‌ها گردند و دریاها مداد شود» (همان: ۲۸۵).

- تشبیه: در متن کتاب تشبیه اندک به کار رفته است. مثال: «آن دو طفل از شدت جوع در رنگ جوژه مرغ مرتعش شده بودند و می‌لرزیدند» (همان: ۲۴۵). اما در مقدمه متن از اضافه تشبیهی بسیار استفاده شده است. مانند: بحر تحصیل معرفت، سفاین ادله باهره مصنوعات، رسایل موجودات، دفاتر مخلوقات، شاهراه معرفت الله، خار و خاشاک معصیت و ضلالت، البسه اوراق.

کاربرد ادات تشبیه: «در رنگ»، «کأن که چون». مانند: «پس هرگاه وداد ذوی القربی... بر هر مؤمن شیعه فرض متحتم است در رنگ و جوب نماز و روزه» (همان: ۷). «شیث در رنگ آفتاب درخشنده بود» (همان: ۳۹). «در مکانی مستوی از نور، ایستاده بود در میان همه کأن که چون ستاره‌ای درخشنده بود» (همان: ۳۷).

- استعاره: استعاره نیز مانند تشبیه بیشتر در مقدمه کتاب دیده می‌شود. مانند: «عقل ضعیف عقلا و فکر خفیف علما، به دستیاری هدایت انبیا سالک، مالک عظمی تواند شد که سریر هر مملکتی که متکای سلاطین عادل و پادشاهان کامل گردید» (همان: ۱) و به‌ندرت در متن استعاره آمده، مانند: «اثر این اجتهاد به جمیع مخالفین تا قیام ساعت می‌رسد» (همان: ۳۰۶). «تا قیام ساعت و آخر دهر...» (همان: ۳۱۵) که کلمه ساعت استعاره از روز قیامت است.

- کاربرد ضرب‌المثل: «حذو النعل بالنعل» (همان: ۱۵۷).

- واج‌آرایی: «مسالک و طرق از خلل خوف لصوص محارب، معری می‌گردد، به‌نحوی که هر پیر ضعیف و هر عاجز نحیف، احمال نفیسه خود را به سرحد امان و امن می‌رساند» (همان: ۲). تکرار حروف «خ» و «س» و «ل» و نیز کاربرد جناس در این عبارت موسیقی ایجاد کرده است.

- **تکرار:** تکرار یکی از ویژگی‌های نثر این کتاب است که اغلب تنها لفظ تکرار می‌شود بدون آنکه ویژگی خاصی را آشکار کند اما تکرار موجب آهنگین شدن کلام می‌شود. «امام متقین است و ناصر دین است و قانع مشرکین است و خشم بر منافقین است و بهتر عابدین است» (همان: ۸۰).

و نمونه دیگر: «تا صباح شد، پس صباح که شد غایب شد» (همان‌جا).

- **تنسیق الصفات:** «از آیات بینات کلام ربّانی و احادیث صحیحۀ قدسیه و نبویه و اخبار مصححه منقولہ از حضرات ائمه هدی که علمای عالی‌مقدار و فقها و محدثین اولوالابصار و مشایخ کبار فرقه نجیّه...» (همان: ۵).

- **مراعات النظر:** «پس بر هر کس که حق تعالی او را موفق فرموده باشد به توفیق تتبع تفسیر و حدیث، او را فی‌الجمله علم بر معانی آیات و احادیث باشد که فرق میانۀ ناسخ و منسوخ و مطلق و مقید و عام و خاص و مجمل و مبین و محکم و متشابه و مصحح و غیر مصحح و موثق و حسن و مرسله و غیر ذلک تواند کرد، واجب و لازم است که به قدر مقدور مردم را از معانی آیات و احادیث که در این ماده وارد شده، مطلع سازد» (همان: ۷).

- **جناس تام:** «مصنف مواقف غافل از احوال روز مواقف» (همان: ۲۷۰). «مصنف مواقف غافل از احوال یوم مواقف» (همان: ۲۷۱).

۲-۳-۵. رسم الخط نسخه

- نگارش «ج» به جای «چ». مانند: کوچهای = کوچهای، آنچه = آنچه، جون = چون.

- نگارش «ک» به جای «گ» مانند: کریه = گریه.

- آوردن «ه» به جای «ای» مانند: جامه = جامه‌ای، در این جمله؛ در جامه که همراه آورده بود.

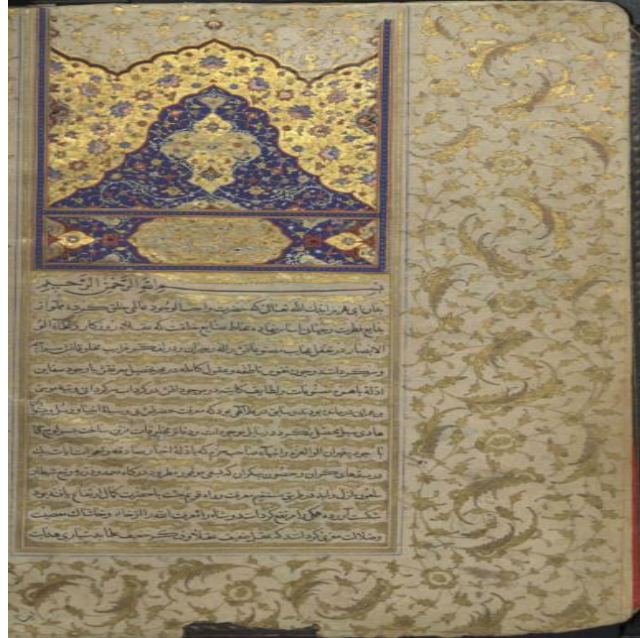
- پیوسته نوشتن علامت جمع «ها» به کلمات: لباسهای سفید.

- پیوسته نوشتن پیشوند «می» به افعال. مانند: میگفت، نمیکند، میشود.

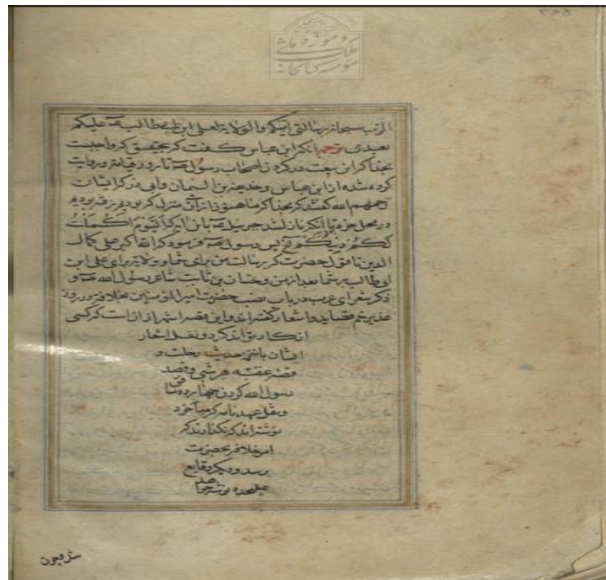
- پیوسته نوشتن صفت اشاره «این» و «آن» به موصوف اشاره: آنمقاله، آنحضرت.

- پیوسته نوشتن حرف اضافه «به» به کلمات: بدرستی، بکجا، بمولود، بدنیا.

- حذف «های بیان حرکت» فرستادهای پروردگار توایم. خانهای مکه = خانه‌های مکه.
 - افزودن «یه» به برخی اسم‌ها؛ طائفیه، شهربانویه.
 - نگارش «برخواست» به جای «برخاست».
 - نگارش «گذاردن» به جای «گزاردن».
 - نگارش «الف بدون سرکش مد»؛ آنچه، انکه.
 - نگارش «همچنانچه» به جای «همچنانکه».
 - نگارش برخی کلمات بدون گذاشتن نقطه.
 - کاربرد کلمه «همدیگر» به جای «همدیگر».
 - نگارش «تای گرد عربی» در کلماتی که در فارسی با «ت» نوشته می‌شوند. مانند: بشاره، عله، جهه، ولاده.
 - نگارش کلمه «مزبور» به دو شکل «مذبوره» و «مزبوره».
 - نگارش «خان» به جای «خوان»، به معنی سفره.
- ۲-۶۳. ویژگی‌های زبانی نسخه**
- جمع بستن ضمیر «ما»: «ماها»
 - افزودن های بیان حرکت «ه» به کلمات: حجاره، ربانیه، و «طاهره» به جای «طاهر» بعد از ذکر نام پیامبر (ص).
 - جمع بستن کلمات عربی با علامت جمع فارسی «ها» مانند: مؤمنها.
 - آوردن کلمات عربی همراه «ان» فارسی (در معنای قید). مانند: فرحان (فرح+ان) فزعان (فزع+ان).



تصویر ۱: صفحه نخست نسخه



تصویر ۲: صفحه انجام نسخه

نتیجه‌گیری

نسخه خطی *المجامع الصوفیة و المراهص العلویة* از آثاری است که به سال ۱۱۰۱ هجری در زمینه تفسیر، حدیث و روایات معروف شیعی نگاشته شده است. محمدصالح دستغیب شیرازی بیشتر مطالب را از منابع موثق شیعی و راویانی چون ابن بابویه قمی، کافی، علامه حلی، ابن عباس، یعقوب کلینی، محمد بن جریر طبری، احمد حنبل و... استخراج نموده و مطالب را با ذکر منبع بیان کرده تا صداقت و امانتداری را رعایت کرده باشد. استفاده از مطالب مختلف و منابع متفاوت، نشان‌دهنده تسلط خوب مؤلف به منابع شیعی و اطلاعات خوب او در زمینه مسائل دینی و تفسیر و حدیث است. بدون شک نویسنده خود نیز از مفسران و اهل فن بوده که چندین اثر در زمینه تفسیر و حدیث در نسخه *المجامع الصوفیة و المراهص العلویة* از خود معرفی کرده است.

محمدصالح دستغیب شیرازی در مقدمه نسخه با دیدی عارفانه و با عنایت به حدیث «كنتُ کنزاً مخفياً» به بیان روشنگری درباره هدف از آفرینش انسان و عالم خلقت پرداخته است و با استفاده از آیات قرآن و احادیث قدسی، دیدگاه خود را بیان نموده و تأکید می‌کند که هدف از آفرینش عبث و بیهوده نیست.

بخش اعظمی از موضوعات مطرح شده در این اثر، اختصاص به افضلیت، اعلامیت، حقانیت و ولایت علی^(ع) دارد و مباحث مختلفی را برای اثبات ولایت از جمله جریان غدیر و حدیث ثقلین را به طور مفصل آورده است. برای ذکر افضلیت و اصلحیت حضرت علی^(ع) برای جانشینی پیامبر^(ص) تقدم اسلام آوری او به عنوان نخستین مرد مسلمان را پیش آورده است. و همچنین به رخدادهای *لیلة المبیت*، حدیث انذار، عقد برادری میان او و حضرت محمد^(ص) کفن و دفن حضرت محمد^(ص) اشاره کرده است. وی از سه حدیث منزلت، تشبیه و غدیر برای اثبات ولایت و امامت علی^(ع) بهره گرفته است و چهل آیه قرآن را در شأن حضرت علی^(ع) بیان می‌کند، از جمله این آیات، آیه تبلیغ، آیه ولایت، آیه اولی الامر، آیه

صادقین است... برخی از این آیات توسط راویان دیگر بیان شده‌اند، اما در برخی روایات، نویسندگان با دیدگاه شخصی خود به تحلیل آیات و تناسب آن‌ها با شأن حضرت علی^(ع) پرداخته است. از جمله:

- مقصود از امام مبین در آیه ۱۲ سوره یس، امام علی^(ع) است.

- مقصود از یهدی الی الحق در آیه ۳۵ سوره یونس، امام علی^(ع) است.

- سوره والعصر در باب و شأن امام علی^(ع) آمده است.

- سوره انسان (هل اتی) در شأن امام علی^(ع) آمده است.

- سوره توبه (برائت) بیانگر واقعه غدیر است.

مؤلف با بهره‌گیری فراوان از منابع شیعی و پیگیری رویکردی عالمانه به‌خوبی حقیقت امور را دریافته و با داشتن اطلاعات کافی و استفسار گسترده، به تفسیر مطالب درباره رخدادهای غدیر و جانشینی حضرت علی^(ع) پرداخته و در شرح برخی آیات چون تفسیر سوره توبه، تفسیر سوره حمد و تفسیر سوره یس، معتقد است که این تفاسیر از طریق الهام به وی رسیده است و از این حیث دیدگاه‌های وی نو و تازه است و در تفاسیر دیگر بیان نشده‌اند.

مؤلف علاوه بر ذکر منبع، نام سلسله‌راویان را پشت به پشت بیان می‌کند که مشخص است دقت خاصی در بیان مطالب دارد و بیانگر دانش مؤلف درباره نسب راویان و علم الرجال است. کتاب در موضوعات مختلفی بحث می‌کند؛ از جمله زندگی پیامبر^(ص)، بعثت، معراج و رحلت ایشان، حب آل محمد^(ص)، زندگی چهارده معصوم^(ع) و مطالب مختلفی درباره منزلت و کرامت حضرت علی^(ع).

نویسنده در باب تفسیر برخی آیات، معتقد است که تفاسیر وی به‌واسطه الهام صورت گرفته‌اند و به‌جز وی هیچ‌یک از علما و مشایخ چنین تفسیری از آن‌ها بیان نداشته‌اند. مهم‌ترین افکار و اندیشه‌های نویسنده در قالب این موضوعات مطرح شده‌اند: تحمیدیه و شکرگزاری، هدف از آفرینش، هدف از نگارش کتاب، زندگی‌نامه چهارده معصوم، ولادت

حضرت علی^(ع)، حبّ علی^(ع)، احوال رسول خدا از بدو تولد تا زمان رحلت، شرح ازدواج حضرت آدم و حوا تا تولد پیامبر، پیش‌گویی‌های هنگام تولد پیامبر^(ص)، وقایع ازدواج آمنه و عبدالله تا هنگام رحلت عبدالله، تشریح وقایع هنگام تولد پیامبر^(ص)، آثار نبوت در شمایل پیامبر در بدو تولد و ایام طفولیت، ذکر حکایات و روایات برای اثبات ولایت امام علی^(ع).

منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.
۲. ابوریه، محمد (بی‌تا)، *اضواء علی السنة محمدیه*، لبنان: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۳. خویی صدراپی، علی (۱۳۷۷)، «الدر النظیم فی مناقب الائمة اللہامیم»، علوم حدیث، ش ۸.
۴. درایتی، مصطفی (۱۳۸۹)، *فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)*، تهران: کتابخانه مجلس.
۵. دستغیب شیرازی، محمدصالح (۱۱۰۱ق)، *الجامع الصفویة و المراهص العلویة*، ش ۴۸۰۷ کتابخانه و موزه ملی ملک: تهران.
۶. ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۴)، «آرا و عقاید معروف کرخی»، *مجله مطالعات عرفانی*، شماره ۲، ۶۳-۷۸.
۷. رفیعی، حمیدالله (۱۳۸۹)، «فرقه ذهبیه»، *نشریه کلام اسلامی*، شماره ۷۵، مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق^(ع).
۸. شوشتری، قاضی نورالله بن شریف‌الدین (۱۳۵۴)، *مجالس المؤمنین*، قم: بعثت،
۹. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۳)، *دلایل الامامة*، قم: دارالذخائر المطبوعات.
۱۰. عسقلانی، ابن حجر (۱۴۰۸)، *فتح الباری بشرح صحیح البخاری*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

١١. _____ (١٤١٣)، تهذيب التهذيب، بيروت: دار احياء التراث العربى.
١٢. عقى بخشايشى، عبدالرحىم (١٣٧١)، طبقات مفسران شىعه، قم: نويد اسلام.
١٣. غفار، عبدالله الرسول (١٤١٦)، الكلينى و الكافى، قم: مؤسسه النشر الاسلامى.
١٤. قمى، ابن بابويه ابوجعفر محمد بن على (١٣٦٣)، الامالى، ترجمه محمدباقر كمرهاى، تهران: نشر كتابچى.
١٥. مدرس، محمدعلى (١٣٦٩)، رىحانة الادب فى تراجم المعروفين بالكنية او اللقب، تهران: خيام.
١٦. مديرشانه چى، كاظم (١٣٨١)، علم الحديث، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه دفتر انتشارات اسلامى.
١٧. نوربخش، جواد (١٣٤٤)، «سلسله جليله نعمت اللهيه رضويه مرتضويه مصطفويه الهيه»، مهر، شماره ٣ و ٤، ٢٠٢-٢٠٦.

